



در صفحه ۳

## خجسته باد ۸ مارس روز جهانی زن

### ضرورت تمرکز بر حداقل دستمزد و حمایت از کارگران و تشکل‌های کارگری

روی کاغذ کاهش یافته است. سبب معیشت خانوار کارگری که چند ماه پیش بالای ۱۰ میلیون و ۱۲ میلیون تومان عنوان شده بود، ناگهان (ایضاً روی کاغذ) به زیر ۹ میلیون سقوط نموده است. مهندسی تحمیل حداقل دستمزدی بسیار ناچیز و زیرخط فقر بر طبقه کارگر مراحل نهایی خود را طی می‌کند. به‌رغم برگزاری جلسات "شورای عالی کار" در ۷ و ۱۴ اسفند با موضوع تعیین حداقل دستمزد، اما هنوز رقم حداقل دستمزد اعلام نشده است. سناریو از پیش طراحی و همه‌چیز مشخص شده، اما اعلام رسمی میزان در صفحه ۴

طبقه سرمایه‌دار حاکم بساط هرساله خود در زمینه تعیین حداقل دستمزد را پهن کرده است. نمایش تکراری در "شورای عالی کار" رژیم بدون جلب نظر کمترین تماشاجی، به روی صحنه رفته و تمامی شواهد نیز حاکی از تدارک تعیین ارزان‌ترین قیمت برای نیروی کار است. در لایحه بودجه میانگین افزایش حقوق کارکنان و نیز کارگرانی که در بخش دولتی کار می‌کنند تنها ۱۰ درصد پیش‌بینی شده و سقف حداقل مزد ماهانه ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان منظور شده است. علی‌رغم افزایش شدید و سرسام‌آور قیمت‌ها، نرخ تورم نسبت به شش ماه قبل البته

### می‌گریزد شب، صبح می‌آید

جامعه را با دروغ و ریا تغییر داد. این شوخی دیگر خیلی بی‌مزه و از مذاقتاده شده است. نداری جزئی همیشگی از زندگی روزمره ما شده است. دیگر چیزی باقی نمانده تا جمهوری اسلامی آن را غارت کند، دیگر چیزی باقی نمانده تا جمهوری اسلامی آن را ویران کند. بالاتر از سیاهی رنگی نیست. از کدام درد، از کدام فاجعه، از کدام مرگ می‌توان نوشت؟! چگونه می‌توان خفقان امروزی را به تصویر کشید؟! دیگر حتا کلمات نیز از بیان عمق فاجعه، عمق درد جانکاه مردم ستم‌دیده ایران ناتوان شده‌اند. دیگر کلمه‌ای پیدا نمی‌شود تا بتواند عمق در صفحه ۸

تنها دو هفته به آغاز سال جدید باقی مانده اما در خانه‌ها و کوچه‌های کارگران و زحمتکشان نشانی از آن نیست، گویی عید و نوروز از دیار ما به سفری بی‌بازگشت رفته‌اند. جمهوری اسلامی که در موشک‌پرانی و هزینه‌های تسلیحاتی همیشه دست و دل‌بازانه هزینه می‌کند، این‌بار تا آنجا که می‌توانست در پرداخت عیدی و پاداش آخر سال کارگران، بازنشستگان و دیگر زحمتکشان جامعه نیز خساست به‌خرج داد. سختی روزگار را با گفتارهای بی‌عمل نمی‌توان آسان کرد. نمی‌توان با وعده معضل سفره‌های خالی را حل کرد. نمی‌توان واقعیت‌های روزمره زندگی ستم‌دیدگان، این اکثریت بسیار بزرگ

### اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در مورد جنگ در اوکراین

### جنگ امپریالیستی و ضد بشری باید متوقف شود!

در صفحه ۶

### جنگ ارتجاعی امپریالیستی و راه مقابله با آن

از روز پنجشنبه ۵ اسفند ۱۴۰۰، که تهاجم نظامی ارتش روسیه از زمین و هوا و دریا به اوکراین شروع شد، تا به امروز (یکشنبه ۱۵ اسفند) یازده روز گذشته است. جنگ ویرانگری که کشتار و خرابی و آوارگی آن از آن کارگران و توده‌های مردم اوکراین است، اما تولید هرچه بیشتر سلاح و ساخت ادوات جنگی و انباشت روز افزون سرمایه، از آن دولت‌ها و قدرت‌های سرمایه‌داری امپریالیستی است. چرا که کشورهای امپریالیستی با برافروختن اینگونه جنگ‌های ارتجاعی و قرار گرفتن در دو سوی این ویرانگری‌های جنگی- که نتیجه بلافصل اعمال سیاست‌های جنگ طلبانه آنان است - با تولید سلاح و تجهیزات نظامی بیشتر و فروش و صادرات آن به دولت‌های نزدیک به خود، سال از پی سال فرجه تری می‌شوند و از منظر جنگ طلبی و کشتار مردم بر دامنه ثروت و قدرت خود می‌افزایند. درست همانند آنچه اکنون با تهاجم نظامی روسیه به اوکراین اتفاق افتاده است. جنگی که اکنون با حمله ارتش روسیه به اوکراین آغاز شده است، جنگی ارتجاعی است که قبل از هر چیز علیه منافع کارگران و توده‌های مردم دو کشور اوکراین و روسیه است. این جنگ ارتجاعی و ویرانگر، که اکنون اینچنین بر سر توده‌های مردم اوکراین آوار شده است، می‌توانست آغاز نشود، اگر طرفین نزاع فقط به فکر منافع امپریالیستی خود نبودند و اندک توجه‌ای به جان و زندگی مردم داشتند. اما دولت‌های سرمایه‌داری قبل از هر چیز به فکر سود و منفعت خود هستند. درست همانگونه که اکنون شاهدش هستیم، وقوع این جنگ ارتجاعی نیز با دخالت مستقیم و غیر مستقیم قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری غرب و خوی و خصلت تجاوزکارانه دولت روسیه بر توده‌های مردم اوکراین آوار شد. این جنگ ارتجاعی که زمینه‌های شکل‌گیری آن از مدت‌ها پیش توسط روسیه، آمریکا و دیگر کشورهای قدرتمند غربی فراهم شده بود، طی ماه‌های گذشته در پی گسترش دامنه نزاع میان روسیه و قدرت‌های غربی بر سر اوکراین شدت گرفت، و سپس در روز سه‌شنبه سوم اسفند با سخنرانی پوتین مبنی بر به رسمیت شناختن جمهوری‌های استقلال طلب مناطق "لوهانسک" و "دونتسک" در شرق اوکراین، تشدید شد و سرانجام با فرمان پوتین تحت عنوان "عملیات نظامی ویژه" علیه اوکراین، شکل واقعی به خود گرفت.

در صفحه ۲

## جنگ ارتجاعی امپریالیستی و راه مقابله با آن

گفت: "امیدواریم آنچه اتفاق می افتد به نفع ملت ها و منطقه باشد".

اینکه از درون حمله نظامی روسیه به اوکراین و از دل این جنگ ارتجاعی و ویرانگر که بازندگان اصلی آن همانا کارگران و توده های مردم هر دو کشور اوکراین و روسیه هستند، چگونه شرایط به نفع "ملت ها" تمام خواهد شد، فقط می تواند زائیده تراوشات فکری جنابیتکاری همچون رئیسی باشد که طی سالیان متمادی بجز آدمکشی، کار دیگری بلد نبوده است.

دفاع از تجاوز نظامی روسیه به اوکراین اما تنها به رئیسی ختم نشد. خامنه ای نیز در ششمین روز حمله ارتش روسیه به اوکراین وارد میدان شد و بدون اعلام محکومیت حمله نظامی روسیه و بدون اینکه کمترین اشاره ای به تجاوز نظامی روسیه به خاک اوکراین کرده باشد، فقط اعلام کرد: "اوکراین قربانی سیاست آمریکا شده است".

بیان این جملات از زبان خامنه ای و رئیسی و اعلام حمایت رسمی آنان از حمله نظامی روسیه به اوکراین سبب شد تا عمده رسانه های حکومتی نظیر کیهان و جوان، و صدا و سیمای جمهوری اسلامی نیز محور تبلیغات رسانه ای خود را در دفاع از پوتین و حمله نظامی روسیه به اوکراین متمرکز کنند. البته بیان سخنان خامنه ای و اعلام حمایت رسمی جمهوری اسلامی از روسیه موضع جدیدی نبود که تعجب برانگیز باشد. جمهوری اسلامی سال هاست استراتژی سیاسی - اقتصادی خود را در سمت گیری به سوی روسیه و پوتین تنظیم کرده است و طبیعتاً موضع گیری خامنه ای و رئیسی در حمایت از حمله نظامی روسیه به اوکراین نمی توانست جدای از استراتژی کلی هیئت حاکمه ایران در همسویی با دولت روسیه باشد.

به رغم موضع گیری های متفاوتی که تا کنون نسبت به حمله نظامی روسیه به اوکراین و چرایی شروع این جنگ ارتجاعی اتخاذ شده است، هنوز چشم انداز روشنی برای توقف پایان این جنگ ویرانگر متصور نیست. طبیعتاً حمله نظامی روسیه به اوکراین پایان نزاع نیست، بلکه می تواند آغازی بر سر تجدید تقسیم اقتصادی و سیاسی جهان بر اساس منافع استراتژیک قدرت های امپریالیستی نظیر آمریکا و اتحادیه اروپا و چین و روسیه باشد.

مردم اوکراین هم اینک توسط ارتش روسیه کشتار می شوند، رژیم ارتجاعی اوکراین نیز که نئونازی های گردان آزوف و گروه اسوبودا، تحت حمایت قدرت های امپریالیست اروپایی و آمریکائی، نقش مهمی در آن دارند، به تشدید این جنگ و کشتار یاری می رسانند. آنچه اکنون حائز اهمیت است، درک این واقعیت می باشد که این یک جنگ امپریالیستی است، محکومیت لفظی طرف های برپا کننده این جنگ ارتجاعی کافی نیست. در شرایطی که قدرت های امپریالیست برای پیشبرد اهداف توسعه طلبانه خود، بر طبل جنگ و ادامه آن می کوبند، یگانه راه پایان دادن به این جنگ ارتجاعی، تقویت جنبش های ضد جنگ علیه تمام قدرت های امپریالیست و روی آوی کارگران و زحمتکشان روسیه و اوکراین به انقلاب و سرنگونی طبقه حاکم بر این کشورها است.

اوکراین و دیگر کشورهای اروپایی نبود، اکنون به برکت این جنگ ارتجاعی، از قانون ممنوعیت فروش و ارسال سلاح به کشورهای اروپایی خارج شده و بودجه نظامی اش در یک چشم بهم زدن ۱۰۰ میلیارد یورو افزایش یافت. اتحادیه اروپا برای افزایش بنیه دفاعی خود ۷۰۰ میلیارد یورو مازاد اختصاص داد. دولت آمریکا که به همراه دولت روسیه از جمله برپا کنندگان موثر این جنگ خانمان سوز بوده اند، اکنون برای پیشبرد اهداف خود در این جنگ ویرانگر، ۶ میلیارد دلار بودجه ویژه در نظر گرفته است. هم اینک در اغلب کشورهای قدرتمند جهان، نظامی گری رونق گرفته و اختصاص بودجه های کلان برای پیشبرد مقاصد نظامی و جنگی با حرص و ولع بیشتری دنبال می شود. گسترش پیمان نظامی اتلانتیک شمالی (ناتو) به موضوع روز آمریکا و دیگر قدرت های بزرگ جهانی تبدیل شده است. بخشی از کشورهای اروپایی که تا دیروز از پرداخت حق عضویت خود به ناتو عاجز بودند، اکنون با اختصاص بودجه های کلان خواهان تقویت و گسترش ناتو شده اند. کشورهای نظیر سوئد و فنلاند که همواره بر فاصله گرفتن از ناتو اصرار داشتند، اکنون برای پیوستن به این پیمان نظامی به تکاپو افتاده اند. تبلیغات رسانه ای و جنگی امپریالیستی به طرز سرسام آوری شدت یافته و سایه جنگ جهان را فرا گرفته است.

جهان سرمایه داری و قدرت های بزرگ امپریالیستی از آمریکا و روسیه گرفته تا دولت های قدرتمند غربی که از نظر اقتصادی و نظامی خواهان تقسیم مجدد بازارهای جهان برای سهم بری بیشتری از این بازارها هستند، همواره در پی ایجاد جنگ در مناطق مختلف جهان بوده اند و هستند. جملگی این کشورهای امپریالیستی که خود در زمره ایجاد کنندگان این جنگ و تحمیل آن به کارگران و توده های مردم اوکراین بوده اند، اکنون با اختصاص بخش کوچکی از سودهای کلانی که از قبیل این جنگ ویرانگر نصیبشان می شود، در قامت "مصلح" های جهان ظاهر شده و برای مردم جنگ زده و آواره اوکراین دل می سوزانند.

در میان این حجم از تبلیغات نظامی و صرف بودجه های بسیار کلانی که قدرت های بزرگ امپریالیستی برای تولید سلاح و پیشبرد سیاست جنگی شان در اقصا نقاط جهان اختصاص داده اند، دولت های دیگری نیز هستند که با حمایت علنی از تهاجم نظامی روسیه به اوکراین، جنگ طلبی را دامن می زنند و منافع کارگران و توده های مردم کشورهای خود را به مقاصد جنگ طلبانه پوتین گره زده اند.

جمهوری اسلامی یکی از نادر کشورهایی است که مسئولان آن بر اساس استراتژی سیاسی- اقتصادی خود که همانا سمت گیری به سوی روسیه است، حمله نظامی ارتش روسیه به اوکراین را نادیده گرفته و تمام قد در کنار پوتین ایستاده اند. ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور منصوب خامنه ای در همان فردای حمله روسیه به اوکراین، در یک گفت و گوی تلفنی با پوتین، ضمن دفاع از حمله نظامی روسیه به اوکراین

طی همین مدت کوتاهی که از تهاجم ارتش روسیه به اوکراین گذشته است، نیروهای روسی در جنوب اوکراین شهر خرسون و چندین منطقه دیگر را در امتداد سواحل دریای سیاه تصرف کرده و شهر بندری ماریوپول و خارکیف دومین شهر بزرگ اوکراین را نیز محاصره کرده اند. در یازده روز گذشته، شهرهای اوکراین به طور مداوم زیر آتش توپخانه ای و شلیک موشک های ارتش روسیه قرار گرفته اند و روزانه صدای انفجار در خارکیف و دیگر مناطق اوکراین شنیده می شود.

در پی حملات هوایی و موشکی ارتش روسیه، تا کنون صدها مرکز نظامی اوکراین نابود و فرودگاه های این کشور ویران شده اند. صدها غیر نظامی از زن و مرد و کودک جان خود را از دست داده و طبق آخرین آمار آژانس آوارگان سازمان ملل، حدود یک و نیم میلیون نفر آواره کشورهای همسایه شده اند. در این مدت کوتاه، بسیاری از زیرساخت های نظامی نابود شده اند، ده ها سامانه موشکی ضد هوایی، ایستگاه راداری، پست فرماندهی و مراکز ارتباطی نیروهای مسلح اوکراین مورد هدف قرار گرفته اند. چهره شهرها دگرگون و بسیاری از ساختمان های مسکونی ویران شده اند. بیمارستان ها نیز از حملات موشکی ارتش روسیه در امان نبوده اند. آب و برق در مناطق وسیعی از کشور قطع و مردم عموماً در پناهگاه ها اسکان داده شده اند. در این میان، زنان و مردانی که امکان فرار از ویرانی های جنگ را دارند، دست کودکان خود را گرفته با اضطراب و اشک و آه راهی کشورهای همجوار شده اند.

لذا، راه نجات توده های مردم اوکراین و جلوگیری از کشتار و ویرانی بیشتر مردم این کشور، محکومیت قاطع روسیه و قدرت های امپریالیست غربی، طرف های ایجاد کننده این جنگ ارتجاعی و تلاش نیروهای مترقی جهان برای توقف فوری جنگ و خروج بی قید و شرط ارتش متجاوز روسیه از خاک اوکراین است.

خرابی و ویرانی و کشتاری را که هم اکنون در اوکراین شاهدش هستیم، تنها گوشه ای از نیمه آشکار این جنگ ویرانگر است که در این مدت کوتاه به عریان ترین شکل ممکن گریبان کارگران و عموم توده های مردم اوکراین را گرفته است. جنگی که کارگران و توده های مردم روسیه نیز از تبعات آن در امان نبوده و اینک با تحریم های امپریالیست های آمریکائی و اروپائی، رنج و سنگینی این جنگ ارتجاعی بر سر کارگران و توده های مردم روسیه نیز آوار شده است.

با این همه، این جنگ ارتجاعی نیمه به ظاهر پنهانی هم دارد که همانا سودبری و انباشت سرمایه برای قدرت های بزرگ جهانی است، که منفعت اقتصادی شان در دامن زدن به اینگونه جنگ های امپریالیستی تامین می شود. سیاستی که در شروع جنگ در هیاهوی تبلیغاتی رسانه های امپریالیستی گم شد و اکنون آنگونه که شاهدش هستیم در تداوم حمله ارتش روسیه به اوکراین بیشتر آشکار و نمایان شده است. آلمان، که تا دیروز مجاز به ارسال سلاح به



## خجسته باد ۸ مارس روز جهانی زن

### زنان ستم‌دیده ایران!

۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن، در شرایطی فرارسیده است که دولت دینی ستمگر و زن‌ستیز جمهوری اسلامی، این دشمن سوگند خورده برابری زن و مرد، ماهیت رسوای خود را حتی بر عقب‌ماندترین بخش توده‌های مردم ایران آشکار نموده، ورشکستگی خود را در تمام عرصه‌ها به نمایش گذاشته و مبارزات پیگیر توده‌های مردم ایران سراسر کشور را فراگرفته است.

نقش برجسته‌ای که زنان در مبارزات جاری بر عهده‌گرفته‌اند، چنان آشکار است که مرتجعین حاکم بر ایران را هراسناک کرده است. در هر مبارزه‌ای که در ایران در جریان است، حضور فعال زنان که بازتاب بیداری و آگاهی آن‌هاست به واقعیتی غیرقابل‌انکار تبدیل شده است. از نقش برجسته در تظاهرات و قیام برای سرنگونی رژیم، از حضور فعال در اعتصابات و تجمع‌های معلمان، پرستاران، کارگران و دانش‌آموزان، تا سخنرانی‌های علنی در دفاع از حقوق زنان در مراکز عمومی و به دور افکندن علنی حجاب و درگیری با مزدوران رژیم، همه نشان‌دهنده نقش برجسته زنان در مبارزه برای سرنگونی رژیم زن‌ستیز است.

از هنگامی که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در ایران به قدرت رسید، تا به امروز صدها تن از زنان مبارز و آگاه به جوخه اعدام سپرده شده‌اند و هزاران تن سال‌ها به حبس محکوم شدند. هم‌اکنون نیز ده‌ها تن از زنان به جرم مبارزه برای برانداختن تبعیض و نابرابری زنان در زندان‌های جمهوری اسلامی به بند کشیده شده‌اند. دلیل این نقش فعال در تمام این مبارزات بر کسی پوشیده نیست.

در جامعه ایران، زنان ستم‌دیده‌ترین بخش مردم ایران هستند. ایران یکی از معدود کشورهای جهان است که نه‌فقط تحت حاکمیت دولت دینی اسلام‌گرا، برابری حقوق زن و مرد به رسمیت شناخته نشده، بلکه دولت فوق ارتجاعی دینی و زن‌ستیز، در قوانین خود به عربان‌ترین و خشن‌ترین شکل ممکن برابری حقوق اجتماعی و سیاسی زن را نفی کرده و آشکار و عریان بر نابرابری و تبعیض صحنه گذاشته شده است. در تمام قوانین جمهوری اسلامی زن در مرتبه‌ای پایین‌تر از مرد قرار گرفته است. جمهوری اسلامی به تبعیت و فرمانبرداری زن از مرد شکلی رسمی و قانونی داده است. دولت دینی نه‌فقط در قوانین بلکه در عمل، تمام قدرت و امکانات خود را برای تقویت مردسالاری، دفاع از خانواده اسلامی- سنتی مردسالار، فرمانروایی مرد در خانواده و تبعیت زن از مرد و در یک‌کلام اسارت زن به کار گرفته است. جمهوری اسلامی حتی در قوانین رسمی خود، آشکار و ضمنی خشونت علیه زنان را مورد تأیید قرار داده است. از همین روست که زنان زیر فشار انواع و اقسام خشونت در خانواده و در خارج از خانه در خیابان، مراکز عمومی و محل کار قرار دارند. هر سال میلیون‌ها زن در جامعه مردسالار و تحت حاکمیت دولت دینی و قوانین ارتجاعی آن، توسط پدر، برادر و شوهر حتی مورد خشونت فیزیکی قرار می‌گیرند. این خشونت علیه زنان چنان شکل وحشیانه‌ای به خود گرفته که هر سال ده‌ها تن از زنان توسط مردان خانواده به قتل می‌رسند. در خارج از خانه نیز زنان در معرض خشونت‌های متعدد و سرکوب فیزیکی مزدوران دستگاه دولتی، تحقیر و توهین و خشونت پلیس بر سر رعایت حجاب اجباری قرار گرفته‌اند.

در نتیجه سیاست‌های ارتجاعی دولت دینی زن‌ستیز، نه‌فقط زنان به‌طور رسمی و علنی از امکان دسترسی به برخی مشاغل و حضور در برخی ارگان‌ها و نهادها محروم شده‌اند، بلکه دولت دینی حتی برای دسترسی زنان به مشاغل معمولی نیز محدودیت‌های متعددی ایجاد کرده است. چراکه از دیدگاه رژیم رسوای دینی زن‌ستیز، جای زن در خانه تعریف شده است. از همین رو است که در کشوری با جمعیتی ۸۵ میلیونی تنها ۳ / ۵ میلیون زن شاغل هستند. بر سر هر اتفاقی هم از نمونه بحران‌های اقتصادی نخستین گروهی که اخراج می‌شوند، زنان‌اند. طبق گزارش مرکز آمار رژیم در پاییز سال ۹۸ چهار میلیون و ۴۶۸ هزار زن در ایران شاغل بوده‌اند. در پاییز امسال این تعداد به کمتر از ۳ / ۵ میلیون کاهش یافته است. این همه در حالی است که حتی درجایی که زنان مشغول به کارند به‌رغم کار مساوی با مردان، به‌طور متوسط حدود ۳۰ درصد کمتر از مردان دستمزد و حقوق می‌گیرند. لذا روشن است که چرا سال‌به‌سال زنان فقیرتر می‌شوند و گروهی محتاج مستمری ناچیز کمیته امداد می‌گردند و مدام بر تعداد زنان تن‌فروش و زنان بی‌خانمان و معتاد در شهرها افزوده می‌شود.

جمهوری اسلامی در طول متجاوز از ۴۳ سال موجودیت ننگینش در ایران نشان داده است که هیچ‌یک از مطالبات زنان در چهارچوب این رژیم تحقیرپذیر نیست. زنان دریافته‌اند که بدون سرنگونی جمهوری اسلامی تحقق حتی کوچکترین مطالبات آن‌ها ممکن نیست. از همین روست که در تمام مبارزات کنونی برای سرنگونی رژیم حضور فعال دارند.

سازمان فدائیان (اقلیت) که برای استقرار نظم سوسیالیستی در ایران مبارزه می‌کند و هدف فوری خود را سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت شورایی قرار داده است، در برنامه خود خواستار اجرای بی‌درنگ مطالبات زنان به شرح زیر است:

- لغو هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت و برخورداری زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان.
- برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان در ازای کار مساوی.
- برخورداری آزاد و برابر زنان از امکان مشارکت در تمام شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و دسترسی به تمام مشاغل و مناصب در همه سطوح.
- لغو تمام قوانین و مقررات ارتجاعی مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یکجانبه مرد، تکفل و سرپرستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز در مورد ارث، مقررات حجاب اجباری، جداسازی زن و مرد در مؤسسات و مراکز عمومی و تمام مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه نظیر شلاق، سنگسار.
- لغو حجاب اجباری، ممنوعیت هرگونه فشار و اجبار در مورد نوع پوشش زن. برخورداری زنان از آزادی انتخاب پوشش.
- ممنوعیت هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، اذیت و آزار و خشونت علیه زنان در محیط خانواده و اعمال مجازات‌های شدید در مورد نقض آن‌ها.
- ممنوعیت ازدواج کودکان تا ۱۸ سال، کودک‌آزاری و اعمال مجازات‌های شدید در مورد نقض آن‌ها.
- آزادی کامل زن در انتخاب شریک زندگی خود. روابط خصوصی زن باید از هرگونه تعرض مصون باشد.
- به رسمیت شناخته شدن حق سقط‌جنین، بدون قید و شرط.
- برابری حقوق زن و مرد در امر طلاق، ارث و تکفل اولاد.

سازمان فدائیان (اقلیت) ۸ مارس، روز جهانی زن را به زنان ستم‌دیده ایران تبریک می‌گوید و عموم زنان زحمتکش و ستم‌دیده را به تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی فرامی‌خواند.

**خجسته باد ۸ مارس روز جهانی زن**

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی**

**زنده‌باد آزادی- زنده‌باد سوسیالیسم**

**سازمان فدائیان (اقلیت)**

**اسفند ۱۴۰۰**

**کار، نان، آزادی- حکومت شورایی**

## ضرورت تمرکز بر حداقل دستمزد و حمایت از کارگران و تشکلهای کارگری

حداقل دستمزد مطابق معمول به آخرین روزهای اسفند موقوف شده است. افزون بر این، بر طبق سخنان هادی ابوی کارگزار دولت که عنوان نماینده کارگر در شورای عالی کار را با خود یدک می‌کشد، از سال آینده، مزد منطقه‌ای در ۵ منطقه کشور به‌طور آزمایشی به اجرا گذاشته می‌شود. خلاصه آنکه تمام تلاش‌ها و ترفندهای طبقه حاکم و دولت این طبقه حاکی از تحمیل یک زندگی فقیرانه‌تر، فلاکت‌بارتر و سیاه‌تر بر کارگران و تحکیم بندهای اسارت و بندگی بر دست و پای طبقه کارگر است.

این در حالی است که کارگران برای افزایش حداقل دستمزد به میزانی که تمام هزینه‌های یک خانوار ۴ نفره را بتوان با آن تأمین نمود، متحدتر و متشکل‌تر از گذشته، مستقلاً وارد میدان مبارزه شده‌اند. سال‌هاست که کارگران به "شورای عالی کار" به‌عنوان یک نهاد دولتی نگاه می‌کنند و آن را مجری اوامر طبقه سرمایه‌دار حاکم می‌دانند. هیچ‌چیز پوشیده‌ای در مورد معیارهای تعیین حداقل دستمزد از جمله رقم‌های ساختگی تورم، دوزخ‌کلک‌های شورای عالی کار و اعضای آن و ماهیت ضد کارگری این "شورا" که خروجی‌اش همواره بر منافع سرمایه‌داران منطبق و به زیان کارگران بوده است وجود ندارد. آنچه در "شورای عالی کار" می‌گذرد، ربطی به "سه‌جانبه‌گرایی" ندارد که حتی اگر می‌داشت باز هم نمی‌توانست خواست و هدف کارگران را تأمین کند. "شورای عالی کار" اساساً یک نهاد کارفرمایی است. ابزاری است در دست دولت و در خدمت طبقه سرمایه‌دار. عملکرد و تصمیمات این نهاد طی بیش از ۳۰ سال که از تصویب قانون کار می‌گذرد، پیوسته به زیان کارگران بوده و در اساس مغایر خواست و منافع طبقه کارگر بوده است. عملکرد و تصمیمات ضد کارگری و مهلک این نهاد، کار را به آنجا کشانده است که امروز کارگران در وخیم‌ترین شرایط معیشتی به سر می‌برند. دستمزدها به یک‌چهارم خط فقر سقوط کرده و در بهترین و خوش‌خیالانه‌ترین حالت هزینه یک هفته تا ۱۰ روز را تأمین می‌کند. از این‌رو طبقه کارگر ایران سال‌هاست این نهاد کارفرمایی، معیارهای آن برای تعیین حداقل دستمزد، تصمیمات و کل مکانیسم تعیین حداقل دستمزد تنها زمانی می‌تواند مورد تأیید کارگران باشد که خود در آن مشارکت داشته و تصمیم‌گیرنده باشند. این از حقوق اولیه، بدیهی و مسلم کارگران است که در تعیین حداقل دستمزد مشارکت داشته باشند و این مشارکت را از طریق تشکلهای مستقل و نمایندگان خود عملی سازند.

در جمهوری اسلامی اما چنین حقی و چنین اجازه‌ای به کارگران داده نشده است. ابتدایی‌ترین حقوق دموکراتیک کارگران در زمینه ایجاد تشکلهای مستقل کارگری به‌شدت نقض و پایمال شده است. در تمام دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، استنثار و بی‌حقوقی کارگران مدام تشدید شده است. سرکوب و بازداشت و اخراج و به زندان افکندن پیشروان و فعالان کارگری نیز پیوسته افزایش یافته است. در جمهوری اسلامی، کارگران از امکانات معمولی

موجود در کشورهای سرمایه‌داری برای تأمین حقوق خویش محروم‌اند. تمام مکانیسم‌ها و روزه‌های قانونی موجود در این کشورها از جمله در مورد مداخله‌گری در حیثه تعیین حداقل مزد، به‌کلی مسدود شده است.

استبداد و خفقان و سرکوب و تحمیل بی‌حقی اما به معنای آن نبوده و نیست که کارگران در قبال حداقل دستمزد و تعیین میزان و افزایش آن بی‌تفاوت بوده‌اند. درست برعکس، تحرک و تلاش کارگران در راستای بیان صریح خواست‌ها و نظرات خویش از جمله در مورد حداقل دستمزد هر سال بیشتر و پرنرنگ‌تر شده است. سرکوب و اعمال قهر و خشونت نتوانسته کارگران پیشرو و آگاه و تشکلهای مستقل کارگری برای فعالیت و مبارزه متشکل و بیان صریح حداقل دستمزد، حتی اعلام رقم واحد و تمرکز روی آن که بیان خواست عمومی کارگران است بازدارد. افزایش حداقل دستمزد به بالای میانگین هزینه یک خانوار ۴ نفره، کم‌ترین، فوری‌ترین و کف خواست کارگران است. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه و ۴ تشکل مستقل دیگر در بیانیه‌های مشترک، بر پایه‌یک رشته داده‌های عینی به‌ویژه نرخ تورم، خواهان آن شده‌اند که حداقل دستمزد سال ۱۴۰۱ به ۱۶ میلیون تومان افزایش یابد. این بیانیه که با عنوان "نبردی سخت و نابرابر برای تعیین حداقل مزد سال ۱۴۰۱" در ۱۷ دی ۱۴۰۰ انتشار یافت، مورد استقبال کارگران از جمله کارگران پیمانی نفت و گاز و پتروشیمی قرار گرفت. "شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" که در سازمان‌دهی اعتصابات بزرگ و سراسری کارگران پیمانی نفت نقش بسیار مهمی ایفا نموده است نیز با صدور بیانیه‌ای در تاریخ ۲۹ دی ۱۴۰۰ تحت عنوان "دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۶ میلیون تومان باشد" از پیشنهاد ۶ تشکل امضاکننده بیانیه حداقل مزد ۱۴۰۱ حمایت کرد. اعلام یک رقم واحد، حمایت از آن و سازمان‌دهی مبارزه مشترک و واحد برای تحقق آن گام مثبتی بود و هست که می‌بایستی از آن پشتیبانی نمود. اعلام یک رقم واحد که در عین حال بیان خواست عموم کارگران است از آن‌رو بسیار مهم است که اولاً صف کارگران را در مبارزه برای افزایش دستمزد متحدتر می‌کند و ثانیاً دست سرمایه‌داران برای اتخاذ تصمیم‌های فردی و تعیین مزد در هر کارخانه و منطقه مجزا و بالاخره پرداخت کمتر از آن رقم را می‌بندد یا دستکم در برابر آن مانع ایجاد می‌کند. از این مهم‌تر گرامدن کارگران حول یک خواست مشخص و واحد، کارزار مبارزه برای افزایش دستمزد را تقویت می‌کند و به آن بعد سراسری می‌بخشد. هر تلاش و ابتکار عملی کارگران پیشرو و تشکلهای مستقل کارگری که تقویت اتحاد در صفوف کارگران را دنبال کند باید مورد پشتیبانی قرار بگیرد. مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد برای آنکه از طرف طبقه حاکم جدی گرفته شود و برای آنکه تحقق کامل یا حتی ناقص و نسبی را در پی داشته باشد، مستلزم مبارزه‌ای متحد و پیگیر است. هرچقدر خواست

کارگران مشخص‌تر، مبارزه کارگران متحدتر، یکپارچه‌تر و حمایت از کارگران وسیع‌تر باشد احتمال پیروزی کارگران نیز بیشتر است. ابهام در طرح خواست، چنگانگی و اخلاص در اتحاد کارگران البته می‌تواند به این مبارزه آسیب برساند. این موضوعی است که البته بر کارگران به‌ویژه بخش‌های پیشروتر یک امر کاملاً بدیهی و شناخته‌شده است. از همین روست که روی یک خواست واحد و رقم واحد به‌عنوان حداقل مزد ایستاده و سعی کرده‌اند مبارزه متحدانه‌ای را برای تحقق آن سازمان دهند. کارگران پیشرو بر مبارزه متحد برای افزایش حداقل دستمزد پافشاری کرده‌اند. برای نمونه "شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" در بیانیه دیگری که در نیمه اول بهمن و بعد از اعلام حمایت از رقم ۱۶ میلیون تومان انتشار داد، ضمن تأکید مجدد بر رقم یادشده، بر مبارزه متحد کارگران برای افزایش دستمزد تأکید کرد. "برای خواست افزایش دستمزدها متحد عمل کنیم" عنوان این بیانیه بود که نشان از هوشیاری و آگاهی کارگران نسبت به چندقون مبارزه در شرایط موجود است.

علی‌رغم تمام این تأکیدها اما برخی نکات ابهام‌برانگیزی نیز حول‌وحوش حداقل دستمزد عنوان‌شده از جمله اینکه گرایشی در بحث حداقل دستمزد بجای پشتیبانی از خواست کارگران و رقم (۱۶ میلیون تومان) مزد حداقلی که توسط تشکلهای مستقل کارگری تعیین شده " مزد مکفی" را عنوان می‌کند. ایراد اصلی "مزد مکفی" ابهام نهفته در آن است چراکه "مزد مکفی" معلوم نیست چه مبلغی است. هرکس از واژه "مکفی" برداشت خود را دارد. "مکفی" از نظر سرمایه‌دار یک چیز است و از نظر کارگر حتماً یک چیز دیگر. مبلغ و معادل عددی "مزد مکفی" حتی در نزد بخش‌های مختلف کارگری نیز می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین باید از مبهم‌گویی و ایجاد سرگردانی و اختلاف در میان کارگران جداً پرهیز کرد. نباید خواست مشخص کارگران را نادیده گرفت و تعیین حداقل دستمزد را به آینده‌ای نامعلوم حواله کرد. امتناع از پذیرش و حمایت از خواست کارگران و درجا زدن در حد کلی‌گویی نه‌فقط مشکلی را حل نمی‌کند بلکه برعکس به خواست واحد کارگران و مبارزه متحد آن‌ها خدشه وارد می‌سازد و به زیان کارگران است. اگر مراد از "مزد مکفی" این باشد که مزد حداقل باید پاسخگوی هزینه‌های روزافزون زندگی کارگر و خانواده وی باشد و معیشت خانوار کارگری به بالای خط فقر ارتقا داده شود، در این صورت این همان هدفی است که کارگران و تشکلهای مستقل کارگری آن را دنبال می‌کنند و در همین رابطه میزان حداقل دستمزد را در بیانیه‌های خود برای شرایط فعلی اعلام نموده‌اند. تأکید بر خواست کارگران و حمایت از آن نه‌فقط از این بابت که امکان یک مبارزه مشترک سراسری حول یک خواست عمومی و مرکزی را فراهم و اتحاد کارگران را تقویت می‌کند بسیار مهم است، بلکه از این بابت نیز مهم است که کوشش سرمایه‌داران برای اجرای "مزد منطقه‌ای" و "مزد توافقی" و

## ضرورت تمرکز بر حداقل دستمزد و حمایت از کارگران و تشکلهای کارگری

### کمک های مالی

#### سوئیس

۳۰ فرانک	علی اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسهچی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

#### دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نریمسا
۲۰۰ کرون	خروش (مارس)

#### سوئد

۵۰۰ کرون	هوداران سازمان استکهلم
----------	------------------------

#### آلمان

۱۰۰ یورو	سیاهکل، یگانه پاسخ اصولی
----------	--------------------------

#### ایران

۱ میلیون تومان	آبان ادامه دارد
----------------	-----------------

### پوزش و تصحیح

در شماره ۹۶۰ نشریه کارمقاله " ترس و وا همه جمهوری اسلامی از شبکه های اجتماعی" یک سطر در آخر مقاله جا افتاده بود که در این شماره تصحیح می گردد. " فلاحی نماینده مجلس اسلامی و از اعضای " کمیسیون مشترک" به روشنی به این مساله اعتراف کرد. او به گزارشگر سایت دیدهبان ایران (نازیلا معروفی) گفت: " طرح صیانت به این دلیل است که ما دیگر شاهد یک آبان ۹۸ دیگری نباشیم. آن کسانی که مخالف قانونمند کردن فضای مجازی هستند کسانی هستند که در همان سالها در جامعه تشنج ایجاد کردند".

ساکنین کشور نه فقط خالی کردن دستمزد از محتوای طبقاتی آن و به حاشیه راندن طبقه کارگر است، بلکه نفی استقلال طبقاتی، تضعیف موضع و موقعیت طبقه کارگر نیز هست. در مواضع اعلام شده از سوی کارگران پیشرو و تشکلهای کارگری هرگز چنین خطای بزرگی دیده نمی شود. در بحث دستمزد اگر موضوع سایر زحمتکشان- و نه همه شهروندان و همه ساکنین کشور- و دفاع از حقوق آن ها به میان آمده، اما موضوع محوری یعنی افزایش حداقل مزد کارگری به ۱۶ میلیون تومان فراموش نشده و به حاشیه رانده نشده است. کمونیست ها و مدافعان حقوق طبقه کارگر باید از خواست ها و مبارزات کارگران از جمله خواست آن ها برای افزایش حداقل دستمزد سال ۱۴۰۱ حمایت کنند و اجازه ندارند به بهانه دفاع از حقوق " همه شهروندان " و " همه ساکنین کشور"، طبقه کارگر و خواست های آن را به حاشیه برانند یا حتی نسبت به اولویت های مبارزه طبقه کارگر دچار تردید و تزلزل شوند.

در پایان به نکته بسیار مهمی در مورد نمایش هرساله تعیین حداقل مزد باید اشاره کرد و آن دایره بسته ای است که مزد برمدار آن می چرخد. پوشیده نیست که حداقل دستمزد به هر میزان افزایش داده شود، به خاطر افزایش قیمت ها و افزایش نرخ تورم به فوریت خنثی می شود و سطح زندگی و معیشت کارگری دوباره به حالت قبل بازمی گردد. فقر و فلاکت و تشدید استثمار ادامه می یابد. بیش از ۳۰ سال همین روال طی شده است. هر بار چندرغازی به دستمزدهای اسمی اضافه شده اما در عمل دستمزدهای واقعی کاهش یافته است. امروز بسیاری از کارگران، به خصوص بخش های پیشروتر و متشکل تر کارگران به این شناخت و آگاهی دست یافته اند که معضل طبقه کارگر فقط مزد نیست بلکه نظامی است که بر مزد استوار است. از این روست که کارگران ایران نه فقط برای افزایش مزد مبارزه می کنند و برای افزایش حداقل دستمزد بایستی آمادتر و متشکل تر به میدان آیند، بلکه مهمتر از آن برای پایان دادن به نظام مزدی است که باید خود را تجهیز و آماده کنند.

پرداخت مزد کمتر از مزد حداقل را نیز خنثی می کند. اما وقتی که رقم و نظر واحدی در کار نباشد، هر سرمایه دار سعی می کند هر چقدر اراده کرد مزد بپردازد و چه بسا آن را " مزد مکفی" هم بخواند.

در بازه زمانی کنونی یا درست تر گفته باشیم از لحظه تعیین ۱۶ میلیون به عنوان حداقل مزد و اعلام آن توسط تشکلهای کارگری، نه فقط این نکته برای کمونیست ها و کارگران آگاه و مدافعان حقوق طبقه کارگر حائز اهمیت جدی بوده است که از این خواست حمایت کنند و در حد توان خویش به مبارزه برای تحقق آن یاری برسانند، بلکه این نیز نکته بسیار مهمی بوده است که خواست اخص کارگران و مبارزه مستقل طبقه کارگر برای افزایش دستمزد برجسته شده و دستمزدهای کارگری در لابه لای مجموعه ای از خواست های دیگر اقتشار جامعه محو و ناپدید نشود. گرایشی که در بالا از آن یاد شد، زیرپوشش دفاع از حق بی چون و چرای " همه ساکنین کشور" برای برخورداری از یک زندگی مرفه، بحث افزایش حداقل دستمزد طبقه کارگر را به حاشیه می راند و تحت این عنوان که هیچ " شهروندی" نباید (کمتر) از حداقل حقوق پایه که بالاتر از خط فقر است دریافت... کند" در عمل از تأکید ویژه روی دستمزد طبقه کارگر و مبارزه برای آن طفره می رود. در این موضوع جای هیچ تردیدی نیست که باید از حقوق سایر زحمتکشان دفاع کرد، باید از حاشیه نشین ها بیکاران و تهیدستان شهر و روستا دفاع و حمایت کرد. اما درست در لحظه محوری شدن دستمزد حداقل طبقه کارگر و ضرورت تمرکز روی آن، درست در بزنگاه تعیین مزد حداقل و در شرایطی که بخش زیادی از کارگران پیشرو و تشکلهای مستقل کارگری بر مزد حداقل تمرکز نموده و پرچم مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد به ۱۶ میلیون تومان را برافراشته اند، تقابل مطالبه اخص کارگران به حد حقوق " همه شهروندان" و " همه ساکنین کشور" آشکارا تلاشی استحاله طلبانه و کوشش برای در هم آمیزی طبقه کارگر با انبوه جمعیتی بی شکل و نگاهی فرا طبقاتی است. در هم آمیزی دستمزد طبقه کارگر با حقوق همه شهروندان و همه



### ۸مارس، روز جهانی زن

سمبل مبارزه زنان برای رهایی از قید ستم، استثمار، تبعیض و نابرابری

استثمار زنان، سلطه فرهنگ ارتجاعی، مردسالاری و قوانین و مقررات بر آمده از این ستم مضاعف، مطالبات متعددی را در پیش روی جنبش زنان قرار داده است. مبارزه برای لغو تمام قوانین و مقررات ارتجاعی نظیر حجاب اجباری، تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یک جانبه مرد، تنقل و سرپرستی فرزندان و اقدامات قرون وسطایی مانند شلاق و سنگسار و سایر اشکال خشونت علیه زنان از جمله این مواردند. ما کمونیست ها از برابری کامل اجتماعی و سیاسی زنان با مردان دفاع و برای تحقق آن مبارزه می کنیم.



لغو هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت، مستلزم مبارزه ای آگاهانه و سازمان یافته است

مبارزه زنان کارگر در نیویورک در سال ۱۹۰۸ برای کاهش ساعات کار و افزایش دستمزد، الهام بخش مبارزات زنان جهان برای رهایی از ستم و استثمار شد و این جنبش بود که در سال ۱۹۱۰ کنفرانس بین المللی زنان سوسیالیست این روز را به عنوان روز زن نامگذاری کرد.

کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)  
www.fadaian-aghaliyat.org



## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در مورد جنگ در اوکراین

### جنگ امپریالیستی و ضد بشری باید متوقف شود!

بعد از هفته ها جنگ لفظی، تهدیدها، هشدارها و دیدارهای سران دو بلوک امپریالیستی آمریکا و اروپا، امپریالیسم روسیه همراه با مانورهای نظامی طرفین بر سر اوکراین و پس آن با به رسمیت شناختن جمهوری های لوهانسک و دونتسک از طرف فدراسیون روسیه، بالاخره در روز پنجشنبه ۲۴ فوریه، روسیه تهاجم نظامی خود به اوکراین را از شمال، شرق و جنوب و از طریق هوا و زمین و دریا آغاز کرد.

تشدید بحران های موجود و تهاجم نظامی روسیه به اوکراین بار دیگر این حقیقت محض را نشان داد که جنگ ادامه سیاست به شکل دیگر است. سیاستی که اکنون خود را در شکل تهاجم روسیه به اوکراین نشان داده است، چیزی جز انعکاس همان سیاست قبلی نیست که اکنون با تغییر توازن قوا بین قدرت های امپریالیستی این بار در اوکراین به میدان جنگ این رقابت ها تبدیل شده است. در واقع، چه ادعاهای ریاکارانه روسیه که گویا در دفاع از ساکنین "جمهوری های خلق لوهانسک و دونتسک" ارتش خود را به این مناطق گسیل کرده است و چه ادعاهای مزورانه امپریالیسم آمریکا، اتحادیه اروپا و ناتو که گویا در دفاع از حق حاکمیت اوکراین نیروهای نظامی و تسلیحات به کشورهای مرزی اوکراین فرستاده اند، ذره ای از این حقیقت نمی کاهد که هدف هر دو بلوک امپریالیستی تقسیم و باز تقسیم مناطق نفوذ خود در شرایط جدید جهانی است.

واقعیت این است که نظم جهان دوقطبی بعد از جنگ جهانی دوم و شکل گیری جهان یک قطبی بعد از فروپاشی بلوک شرق به تاریخ سپرده شده است. عروج چین تا حد دومین قدرت اقتصادی جهان، عروج مجدد روسیه به عنوان دومین قدرت نظامی جهان، گسترش قدرت های سرمایه داری در اروپا، ژاپن و .. نشان از این واقعیت دارد که قطب های چند گانه سرمایه داری، سرتاسر جهان را به میدان کشمکش ها و جدال های خونین خود تبدیل کرده اند.

اوکراین با در اختیار داشتن منابع غنی و زمین های حاصل خیز که بخش قابل ملاحظه ای از غلات در جهان را تولید می کند و موقعیت سوق الجیشی سیاسی و نظامی اش، طعمه ای نیست که طرفین این جدال ویرانگر به آسانی در اختیار آن دیگری قرار دهد. اگر روسیه این هدف را دنبال می کند که با تصرف اوکراین و یا به قدرت رساندن رژیم دست نشانده و یا متحد خود، زمینه را برای مصالح و منافع بزرگ سرمایه داران و ناسیونالیسم تجاوزگر روس، برای تحمیل و تثبیت موقعیت خود به عنوان یک ابر قدرت بازیگر در معادلات جهان چند قطبی را میسر سازد، در مقابل بلوک آمریکا و اروپا و پیمان جنگی ناتو نیز با رساندن خود به مرزهای روسیه و با تحولات سال 2014 در اوکراین و تبدیل آن کشور به متحد خویش، هدف تضعیف و جذب روسیه در درون خود و اگر موفق نشدند تبدیل آن به یک قدرت درجه چندم اروپایی را مد نظر دارند، به این ترتیب آنها بلوک روسیه و چین را نیز تضعیف می نمایند. اگر تا دیروز خاورمیانه و آفریقا میدان نبرد و کشمکش های خونین قدرت های جهانی و منطقه ای بود، اکنون غرب می خواهد از طریق اوکراین با روسیه و در حوزه پاسیفیک با چین، نظم جدیدی را سازمان بدهد.

ثمره این کشمکش ها و جدال ها برای مردم جهان، برای کارگران و زحمتکشان، زنان و کودکان چیزی جز مرگ و میر و نابودی هستی و نیستی شان و آواره شدن میلیون ها انسان به همراه ندارد. همه این نتایج و خطرات را پیش از این در خاورمیانه و شمال آفریقا دیدیم و اکنون دست کم در اوکراین شاهد آن هستیم.

در برابر این وضعیت، تنها با محکوم کردن این جنگ و افشای نیت سودجویانه بازیگران جنگ طلب و امپریالیستی آن، با به میدان آمدن بشریت مترقی و طبقه کارگر جهانی و شکل گیری اعتراضات گسترده می توان به این بربریت موجود پایان داد. در این میان طبقه کارگر روسیه و اوکراین بیش از همه مسئولیت و وظیفه دارند که نه تنها به گوشت دم توپ این جدال و کشمکش ارتجاعی تبدیل نگردند، بلکه نفرت و خشم خود را به سوی آنانی نشانه روند که جان میلیونها انسان را در میدان جنگ و تحریم به نابودی خواهند کشاند. لذا، "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" خود را همراه و همگام با طبقه کارگر و مردم محروم کشورهای اوکراین و روسیه و هرگوشه جهان، علیه جنگ سرمایه داران و دولت هایشان می داند. ما طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در سراسر جهان را برای دخالت در این بحران بین المللی فرا می خوانیم و ضروری است علیه سیاست های جنگی و توسعه طلبانه قدرت های امپریالیستی، برای ختم فوری جنگ، علیه دولت های جنگ طلب و نظام سرمایه داری به میدان بیاییم.

**علیه جنگ سرمایه داران، علیه نظم سرمایه داری!**

**زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!**

**28 فوریه 2022**

**9 اسفند 1400**

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

## می‌گریزد شب، صبح می‌آید

۱۰ هزار تومان نیست و به کیلویی ۷۰ هزار تومان رسیده است". وقتی بهای پسته به کیلویی ۴۰۰ هزار تومان رسیده، معلوم است که به جای خرید، تنها می‌توان آن را نگاه کرد. رئیس شورای تامین دام زنده، از رکود بی‌سابقه در بازار گوشت قرمز در روزهای پایان سال خبر می‌دهد. بسیاری از قصابان مغازه خود را بسته یا به شغل دیگری روی آورده‌اند.

مدیرعامل سازمان میادین میوه و ترهبار شهرداری تهران وعده می‌دهد که سیب و پرتقال شب عید در میادین میوه و ترهبار با قیمت کیلویی ۱۳ هزار تومان عرضه خواهد شد، همان سیب و پرتقالی را که مردم دو سال پیش ۶ هزار تومان برای شب عید می‌خریدند، حال باید بیش از دو برابر برای همان سیب و پرتقال پول بدهند در حالی که در این دو سال حقوق و دستمزدها دو برابر نشده!

سایت خبری نور (از سایت‌های حکومتی) از تورم ۶۰ درصدی خوراکی‌ها و افزایش ۵۰ تا ۲۰۰ درصدی اجاره‌ها در مناطق کارگرنشین خبر می‌دهد. به‌رغم دروغ‌های رئیسی در مورد کاهش قیمت‌ها، حتی مرکز آمار تحت‌نظر او در گزارش اخیر خود از نرخ تورم ۳/۹ درصدی گروه "خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات" در ماه بهمن نسبت به ماه دی خبر داده است. مرکز آمار همچنین نرخ تورم سالانه را ۴۱/۴ درصد و تورم نقطه‌ای را ۳۵/۴ درصد اعلام کرده است. البته همه می‌دانیم که این آمار نه تنها واقعی نیست، بلکه به دلیل "مذاکرات" بر سر میزان افزایش دستمزدها و حقوق در سال جدید، و رابطه‌ی نرخ تورم با میزان افزایش حقوق، برای مقابله با افکار عمومی و اعتراضات توده‌ای، همواره از سوی حاکمان سعی می‌شود نرخ تورم تا آن‌جا که ممکن است (بویژه در ماه‌های آخر سال) پایین‌تر اعلام شود. جالب آن‌که همین مرکز آمار تورم بخش تولید را ۴۸/۶ درصد اعلام کرده و حتی تورم در بخش تولید مواد غذایی را بالاتر از تورم متوسط برآورد کرده است. برای نمونه براساس گزارش این مرکز نرخ تورم در بخش زراعت ۹۰ درصد بوده است.

اما ابراهیم رئیسی که در جریان "انتخابات ریاست‌جمهوری" وعده رنگین شدن سفره مردم را داده بود، در عمل سفره مردم را خالی‌تر کرده و تنها به دادن شعار و دستور به منظور عوام‌فریبی بسنده کرده است. او در جلسه ستاد هماهنگی در تاریخ ۹ اسفند به وزرای جهادکشاورزی و صمت "دستور" داد تا علت افزایش قیمت‌ها را بررسی کنند!! باز چهار روز بعد به وزیر کشاورزی "دستور" داد تا قیمت کالاهای خوراکی را "مدیریت" کند. او پیش از این هم برای تثبیت قیمت‌ها از جمله کالاهای اساسی و ثبات بازار "دستور" داده بود. او همچنین خواهان نظارت بر قیمت‌ها شده و خواسته بود تا وزرا "قاطعانه" مانع هرگونه افزایش قیمت کالاها شوند.

مجریان "اوامر" و "دستورات" رئیسی نیز در دی‌ماه از تشکیل "فرازگاه امنیت غذایی" در

وزارت جهاد کشاورزی خبر دادند. قرارگاه عوام‌فریبان دزد و فاسدی که "قرارگاه" محلی برای دزدی‌های جدیدشان است و مردم از دی‌ماه تا امروز تنها شاهد افزایش بهای کالاها بودند. یکی از این دستورات "کاهش قیمت لوازم خانگی" بود که روزنامه کیهان به مدیر مسئولی مزدور و جنایتکار معروف شریعتمداری با ناراحتی نوشت: "تولیدکنندگان لوازم خانگی در برابر کاهش قیمت‌ها مقاومت می‌کنند". همان داستانی که پیش از این بارها در مورد "دامداران"، "مرغداران"، "تولیدکنندگان لبنی" و غیره شنیده بودیم!! کیهان اما همچنین اعتراف کرد که به دلیل نبود خریدار، بازار لوازم خانگی در رکودی بی‌سابقه قرار دارد. البته این را هم فراموش نکنیم که هر سال رکود در بازار، رکوردی بی‌سابقه می‌زند و البته با سرعتی بیشتر از گذشته، آن هم به دلیل کاهش شتابان قدرت خرید مردم و تشدید بحران اقتصادی رکود - تورمی.

یکی از ادعاهای عجیب و غریب و فوق‌العاده وقیحانه رژیم نیز کاهش تا ۶۵ درصدی بهای ۴۵۰۰ قلم کالا با اجرای "طرح الزام درج قیمت تولیدکننده روی کالا" بود که عباس تابش معاون وزیر و مدیرعامل سازمان حمایت از مصرف کننده ادعا کرده بود.

سایت "اقتصاد ۲۴" در همین رابطه نوشت: "سخن اخیر آقای مدیرعامل کوتاه، اما خلاف واقع است؛ چراکه یک خرید دم دستی برای ضروریات زندگی نشان دهنده گرانی اغلب کالاهای اساسی است".

بحران اقتصادی رکود - تورمی نه با "دستور" بیش از ۴ دهه بر اقتصاد ایران حاکم شده و نه قرار است با "دستور" حل شود. بحران اقتصادی رکود - تورمی نتیجه ساختار اقتصادی یعنی مناسبات سرمایه‌داری حاکم بر ایران و نقش و جایگاه آن در جهان سرمایه‌داری است که جمهوری اسلامی به دلیل ویژگی‌های خود، آن را تشدید کرده است. یکی از نتایج مشخص آن نیز فساد سیستماتیک است که تمام تاروپود حاکمیت را فرا گرفته و به‌نوبه‌ی خود در تعمیق این بحران نقش دارد.

بحران اقتصادی رکود - تورمی ایران آن چنان عمق یافته و به مرحله‌ای رسیده است که هیچ جناحی از طبقه حاکم یعنی بورژوازی (و نه فقط حاکمان فعلی)، قادر به حل یا تخفیف آن نیستند. حل این بحران منوط به انجام آن‌چنان اقدامات رادیکال اقتصادی و اجتماعی است که هیچ جناحی از بورژوازی نه در جایگاه آن است که چنین اقداماتی انجام دهد و نه برنامه‌ای برای انجام آن دارد، همچنان که در برنامه‌های تمامی نمایندگان ریز و درشت این طبقه در نقش‌های اپوزیسیون داخلی و یا خارجی شاهدیم.

سیاست جمهوری اسلامی نیز کاملاً مشخص است. در همین مدت کوتاه - در حالی که به اعتراف خودشان "رئیسی آخرین شانس آن‌هاست" - شاهدیم که تمام برنامه‌ها و سیاست‌های جمهوری اسلامی چیزی جز ادامه سیاست‌های گذشته، آن‌هم در اشکالی افراطی‌تر

از گذشته نیست.

فرشاد مومنی یکی از "اقتصاددانان" حامی حکومت و "استاد دانشگاه" در جمهوری اسلامی به روشنی به این وضعیت و ناتوانی جمهوری اسلامی برای بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی اعتراف می‌کند. وی در سخنان خود در روز ۵ شنبه ۵ اسفند در کنگره حزب "مردمسالاری" می‌گوید: "ما چند صد میلیارد دلار و هزاران میلیارد تومان را در دهه ۹۰ صرف کردیم که برآیندش رشد نزدیک به صفر است و توزیع همین رشد صفر به بی‌سابقه‌ترین سطوح ناعادلانه بودن رسیده.

در دهه ۹۰، نسبت بودجه عمومی حکومت به تولید ناخالص داخلی به زیر ۱۵ درصد سقوط کرده. این یعنی حکومت عملاً نشان می‌دهد که نسبت به تعهدات حاکمیتی خود در زمینه آموزش و سلامت و تغذیه و مسکن مردم و زیرساخت‌های فیزیکی و عمرانی دیگر اهتمام بایسته ندارد. دغدغه، دغدغه توزیع رانت بین خودی‌هاست. نسبت ۱۵ درصد امور حاکمیتی به تولید ناخالص داخلی یعنی سقوط حکومت به دولت پیشا آدم اسمیت؛ آن چیزی که به عنوان سرمایه سالاری وحشی بی وطن شما شنیده‌اید از دل چنین مناسباتی می‌آید.

شما وقتی مثلاً در آیین سند لایحه بودجه ۱۴۰۱ تمایلات حکومت را نگاه می‌کنید، در کمال شگفتی می‌بینید تخفیف‌های غیرعادی در مالیات بر ثروت پیش‌بینی شده و فشارهای بسیار غیرعادی و بی‌سابقه در مالیات بر مصرف. گویی عزیزان هنوز تصور می‌کنند می‌شود فشارهای معیشتی سنگین‌تر به مردم وارد کرد.

سیاست‌های تورجزا اسم رمز غارت مردم است. مهمترین مشخصه لایحه بودجه ۱۴۰۱ این است که از این دریچه می‌خواهد اوضاع را اسفابتر کند. از نظر عدالت اجتماعی این سند یکی از ضد توسعه‌ای‌ترین و ضد عادلانه‌ترین سندهای سیاست‌گذاری در سی سال گذشته محسوب می‌شود. شما فقط کافیست روی اصابت‌های مالیات‌ستانی در این سند با دقت نگاه کنید... کشور از نظر بنیه تولیدی نسبت به سال ۱۳۶۷ که بدترین سال عملکرد اقتصادی ده ساله اول انقلاب بوده با شاخص‌های استاندارد موجود در ساخت دانش و توسعه حدود ۷۰ درصد سقوط کرده".

جمهوری اسلامی در برابر اعتراضات و خواست‌های بر حق مردم کار، نان و آزادی، برای داشتن یک زندگی شرافتمندانه و انسانی، آن زندگی که شایسته کارگران و دیگر ستمدیدگان جامعه باشد، مقاومت می‌کند و نتیجه‌ی سیاست‌های آن چیزی جز ادامه فقر و گسترش آن به بخش‌های بیشتری از جامعه نیست. بنابراین تنها راه برای مردم، برای کارگران و زحمتکشان، سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی‌ست، راهی که برای کارگران و زحمتکشان ایران به‌رغم ناهموار بودن و به‌رغم تمامی مشکلات ممکن است.

ای دل غم‌دیده حالت به شود دل بد مکن

وین سر شوریده بازید بسامان غم مخور

گرچه منزل بس خطرناکست و مقصد بس بعید

هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور

## می‌گریزد شب، صبح می‌آید

این روزهای سیاه و فاجعه‌آور را بیان کند. تنها دو هفته به آغاز سال جدید باقی مانده، اما سفره‌های کارگران و زحمتکشان حتا در این روزها نیز رونقی ندارد. عمری در کار، عمری در رنج، این بی‌عدالتی در کجا ریشه دارد؟! آن‌ها که بر سریر قدرت نشسته‌اند، وقیحانه شعار می‌دهند "این وضعیت گرانی قابل تحمل نیست"، "فلان وزیر و بهمان وزیر هر چه سریعتر به این اوضاع سروسامان بدهند" اما در عمل نه تنها چیزی به نفع کارگران و زحمتکشان تغییر نمی‌کند، بلکه روز از پی روز بدتر می‌شود و کارگران و زحمتکشان را به بهانه‌ی اعتراض به وضعیت موجود به بند می‌کشند. در سفره‌های عید دیگر نه از آجیل خبری است،

نه از میوه و شیرینی. ماهی پلوی شب عید نیز دیگر جایی در سفره‌های خالی کارگران و زحمتکشان پیدا نمی‌کند. دیگر نه از عیدی خبری است و نه از بوی عید. هر چه هست خوشی نیست.

احمدی رئیس اتحادیه خشکیار و آجیل تهران با بیان کاهش ۶۰ درصدی تولید خشکیار در سال جاری می‌گوید در سال‌های گذشته مردم با ۵۰۰ هزار تومان آجیل شب عید خود را تهیه می‌کردند اما امسال با یک میلیون تومان می‌توان تنها به میزان کمی آجیل خرید. او با بیان این‌که مردم بیشتر تمایل به خرید تخمه به دلیل ارزان‌تر بودن آن دارند گفت: "قیمت تخمه آفتابگردان دیگر

در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 961 March 2022



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

## اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند. مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

**Alternative Shorai**

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: [shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org> ، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی